



بسم الله الرحمن الرحيم
خدا را شکر که يك سال ديگر عمر كرديم و يك بار ديگر به جلسه ي بسيار دلنشين اساتيد عزيز دانشگاه ناييل شديم. براي من اين جلسه جزو جلسات بسيار مطلوب و دلنشين است؛ هم به خاطر تركيب حاضران جلسه، هم به خاطر اين كه در اين جلسه جمعي از فرزندگان و برجستگان و نخبگان علمي کشور مطالبی را به زبان خودشان به عنوان يك استاد در اين جا بيان می کنند؛ هم بنده می شنوم، هم مسؤولان می شنوند، هم ملت ايران می شنوند؛ چون اين جا يك منبر عمومي و ملی است و آنچه را شما می گوئيد، همه می شنوند؛ اين خیلی فرصت مغتنمی است. لذا جلسه براي من دلنشين است. خواهش من اين است كه از وقت حداكثر استفاده را بكنيد و خواهان و برادرانی كه بناست صحبت كنند، بخشي از وقت را به تعارف و حرفهای معمول اصلاً نگذرانند؛ از همان اول وارد لب موضوع شوند تا هم جلسه استفاده كند، هم بنده استفاده كنم. هرچه هم حرف حاشيه يی بخواهيم، الحمدلله مجري خوش سخني داريم - آن طور كه حس می كنم - ايشان هرچه لازم باشد، بيان می كنند. من آماده هستم بشنوم.

بسم الله الرحمن الرحيم
جلسه ي امروز هم طبق معمول همه ي جلساتی كه از اين گونه در گذشته داشتيم، جلسه ي خوبی بود. نفس اجتماع اساتيد عزيز و اهل علم و دانشگاهيان و بيان مطالبشان و انتقال آن مطالب به گوش و دل مسؤولان - و از جمله بنده - و به گوش مردم، يك موفقيت است. بله، درست گفتند يکی از حضرات سخنران؛ جا دارد كه جمع حاضر از پيگيري يی كه نسبت به مطالب سال گذشته انجام گرفته، مطلع شوند؛ اين خوب است. البته به من گزارش دادند كه پيگيري هايی شده است.

دو سه مطلب کوتاه درباره ي صحبت هايی كه شد، عرض بكنم؛ با حفظ اين معنا كه نفس اين جلسه و اين صحبت ها براي من، براي دولت، براي مسؤولان و براي مردم ان شاءالله باارزش است. يکی اين كه بهتر است در اين طور جلسه يی، بيش از آنچه مسؤولان بخشهای دانشگاهی صحبت می كنند، اساتيد صحبت كنند؛ چون وقتی مسؤولان صحبت می كنند يا مطالبی را به صورت مطالبه بيان می كنند، در حقيقت خود آنها بايد پاسخگوي آن مطالب باشند و بايد از آنها مطالبه شود. اين، مخصوص اين جلسه هم نيست؛ من از يکی دو جلسه ي قبل هم يادم هست كه بعضی از مسؤولان دانشگاه ها می آيند چيزهايی را به عنوان شيكه بيان می كنند كه در حقيقت پاسخگوي خودشان هستند؛ به رده های بالاتر خیلی هم ارتباطی ندارد. يا اين كه مطالبات بحقی را مطرح می كنند كه مخاطب آن مطالبات، اين جا و اين جلسه نيست؛ دولت است. فرض كنيم اگر جلسه يی از همين قبيل باشد و رئيس جمهور محترم يا وزير علوم يا وزير بهداشت هم در آن جلسه نشسته باشند، آن جا خوب است اين مطالب مطرح شود؛ اين جا مطرح شدنش خیلی تأثيری ندارد. حصار كه کاری نمی توانند بكنند، بنده هم حداكثر اين است كه حرف را منتقل كنم. ليكن استاد دانشگاه وقتی می آيد بحثی را مطرح می كند، بحث مديريت نيست؛ بحثی است كه هم براي پيشرفت علم، هم براي مديري كه اداره ي دانشگاه به عهده ي اوست، هم براي مسؤولان دولتی، و هم براي بنده كه اين جا نشسته ام، مفيد خواهد بود. بنابراین بهتر اين است كه بيشتر، اساتيد صحبت كنند تا مديران. نکته ي دوم اين كه بحث دانشگاه آزاد و دانشگاه دولتی را نگذاريد به سطوح عمومي برسد؛ بسيار بحث بدی است. چند نفر از حضراتی كه از دانشگاه آزاد صحبت كردند، عمدتاً وقتشان به شكوا و درد دل گذشت. جای اين بحثها در كميسيون های مجلس، كميسيون های دولت، كميسيون های مربوط به شورای عالی انقلاب فرهنگي و ديگر كميسيون های تخصصی است. ممكن است مطالباتی وجود داشته باشد و بحق هم باشد؛ ممكن است پيشنهادهایی باشد و بعضی از آنها درست هم باشد؛ اما جایش آن جاست؛ اين جا جز اين كه در فضای عمومي، انسان يك دلخوری را اشاعه دهد، فايده ي دیگری ندارد. البته در جلسات قبل به اين شدت نداشتيم كه در اين



جلسه مشاهده شد؛ لیکن خواهش می‌کنم در مجامع عمومی این مسأله را دامن نزنید. دانشگاه آزاد هم گوشه‌ی است از مجموعه‌ی دانشگاهی کشور ما، با محسناتی و با معایبی، با راههای اصلاحی و با پیشنهادهای گوناگونی؛ باید اینها را مسؤولان در سطوح مناسب خودش بحث کنند و حل کنند.

دفتر جذب نخبگان که اشاره شد، غیر از بنیاد نخبگانی است که ما مطرح کردیم. دفتر جذب نخبگان را هم خود ما مطرح کردیم. بنده آن وقت رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی بودم و در آن جا ایجاد دفتر جذب نخبگان مطرح شد. آن وقت مشکل ما مشکلی بود که امروز در کشور وجود ندارد. آن سالها ما پزشک به قدر لازم نداشتیم؛ استاد دانشگاه به قدر لازم نداشتیم؛ بارهای سنگین کاری زمین مانده بود. مراد از جذب نخبگان، آن بود. در همه‌ی بخشهای مختلف ما مشکل داشتیم؛ مشکل تحصیلکرده و دانشمند و عالم و استاد داشتیم. امروز خوشبختانه همان تلاشها به نتیجه رسیده و نتیجه اش چیزی است که شماها دارید بیان می‌کنید. کشور بحمدالله بخشهای علمی محض، بخشهای تجربی، بخشهای علوم مختلف و پیشرفتهای گوناگون را شاهد است. البته همان طور که شماها مکرر گفتید، بنده هم عقیده ام این است که ظرفیت، خیلی بیش از اینهاست. من این نکته را روی شواهد علمی و قطعی عرض می‌کنم، نه روی خطابیات.

بنیاد نخبگان امروز - که متأسفانه هنوز هم به جریان نیفتاده - برای این است که بتواند با استفاده از همه‌ی دستگاه‌های ذی ربط کشور، مشکل دلگرم کردن نخبگان و احساس رضایت آنها از محیط و از زندگی را حل و آن را تأمین کند. از جمله وظایف بنیاد نخبگان این است که به ابهام‌های ذهنی یک نخبه، یا مشکلات او در زندگی، یا تصور نادرستی که از وضع کشور دارد، یا از وضع کشوری که هدف اوست به آن جا برود، پاسخ دهد؛ اینها طیف وسیع کارهایی است که بنیاد نخبگان ان شاءالله باید بتواند انجام دهد. آنچه من در این چند دقیقه‌ی بی‌که وقت باقی مانده، عرض می‌کنم، یکی این است که آقایان و خانم‌های اساتید و اهل علم دانشگاهی! این را بدانید که اعتقاد راسخ بر این است که پیشرفت علمی و رشد علمی در رأس همه‌ی کارهای اساسی برای پیشرفت کشور باشد. یعنی مهمترین زیرساخت کشور، زیرساخت انسانی است به وسیله‌ی علم. ما باید خود را از فقر علمی نجات دهیم؛ این مسأله‌ی اول و اساسی ماست. تجربه‌ی بیست و چند سال گذشته بارها و بارها این را به ما نشان داده و برای ما اثبات کرده است.

در غوغای جنگ‌ها و اختلافهای جغرافیایی و سیاسی عالم، این طور پیش آمد که در برهه‌ی اخیر، غرب - یعنی اروپا - زودتر به علم جدید رسید. این، دلیل این هم نبود و نیست که اروپایی‌ها ذهنشان از شرقی‌ها بهتر کار می‌کند؛ دلیل این هم نیست که قابلیت‌هایی در آن ملتها و آن کشورها وجود دارد که در این طرف از لحاظ اقلیمی و دیگر زمینه‌ها وجود ندارد؛ نه، هیچ‌چنین چیزهایی را نشان نمی‌دهد؛ این یک اتفاق بود که افتاد. یک روز هم شرق از لحاظ علمی جلوتر بود و غرب در تاریکی جهل غوطه‌ور بود؛ این دوره‌ها را هم در تاریخ داشتیم. کاری که در این برهه‌ی از زمان، یعنی از دوران حرکت جدید علمی بشریت که در غرب انجام شد، اتفاق افتاد - که شاید در گذشته احتمالاً سابقه نداشته - این است که اینها سعی کردند علم را انحصاری کنند؛ سعی کردند این وسیله‌ی پیشرفت و سیادت را برای خودشان نگه دارند و از آن حداکثر استفاده را برای به دست آوردن سیادت سیاسی و اقتصادی ببرند. در طول تاریخ بشریت که علم و تمدن دست به دست گشته، ما چنین چیزی را سراغ نداریم.

یکی از کارهایی که نسبت به کشورهای تحت ستم استعمار انجام گرفت، این بود که اینها را در عقب ماندگی علمی نگه داشتند؛ هم عملاً مانع پیشرفت اینها شدند، هم روحاً اینها را تضعیف کردند تا احساس کنند قادر نیستند. این برای ملت ما در یک دوره‌ی طولانی پیش آمد؛ ما را از پیشرفت باز داشتند. نمی‌گوییم این کار تماماً به وسیله‌ی پیشروان علم انجام گرفته و قدرتهای داخلی و سیاستهای دیکتاتوری و مستبدانه‌ی داخلی یا سوء اداره‌ی دولتها تأثیری نداشته؛ این بخش قضیه را منکر نیستیم؛ اما آن بخش هم مهمترین تأثیر را گذاشت. در دوران قاجاریه، سوء سیاست، بدفهمی، مال دوستی و تنبلی مهمترین شخصیت‌های مؤثر، در وضع کشور تأثیر می‌گذاشت؛ اما وقتی در همین دوره هم کسی مثل امیرکبیر به وجود می‌آید و نقش پیشرفت علمی و تأثیر علم در پیشرفت را در سطوح سیاسیون بدرستی کشف می‌کند، نقش عامل دوم - که عامل خارجی است - خودش را بروشنی نشان می‌دهد؛



سعی می کنند این شعله را بخوابانند. این نشان دهنده ی این است که آنها توجه دارند که اگر بخواهند کشوری را تحت سیطره ی اقتصادی و سیاسی نگه دارند، راهش این است که نگذارند از لحاظ علمی پیشرفت کند. عین همین قضیه در طول دوران حکومت پهلوی هم وجود داشته. اینها مسائلی است که تحلیل و تبیین آنها جزو کارهای طولانی است. البته این کارها شده ؛ اینها دعوی محض نیست ؛ استدلال هایی پشت سرش وجود دارد. امروز کشور ما خوشبختانه دوره یی را می گذراند که دو آگاهی در آن هست: یکی آگاهی به توانایی و استعداد ذاتی خود ؛ دوم آگاهی به این که قدرتهای در پی سیطره ی بر کشور ما و بر کشورهای نظیر ما، مهمترین معارض دانشمند شدن و پیشرفت علمی کشور ما هستند. یعنی آگاهی به معنای خودشناسی، و آگاهی به معنای دشمن شناسی و توطئه شناسی. به برکت این دو آگاهی، این امید وجود دارد که ما بتوانیم به پیشرفتهای عظیم علمی نایل شویم.

اخیراً در یکی از مطبوعات داخلی مطلبی را دیدم که از يك مؤسسه ی آماری مهم در امریکا راجع به ایرانیان مقیم امریکا - یا به قول آنها، امریکایی های ایرانی تبار - نوشته بود که سطح معلومات و سطح پیشرفت علمی اینها چند برابر متوسط مردم امریکاست. این، چیز خیلی مهمی است. ما در داخل کشور همین را داریم مشاهده می کنیم. هیچ بُعدی هم ندارد که کسانی که بخصوص روی ایران تلاش خصمانه کردند و سعی کردند حرکت علمی را در این کشور دچار مشکل کنند، به این استعداد وافر و جوشان ایرانی واقف بودند ؛ می دانستند که اگر عنصر ایرانی وارد میدان علم شود، علم از انحصار خارج خواهد شد.

امروز نظام جمهوری اسلامی سر کار است که داعیه ی عدالت و مبارزه ی با ظلم و دفاع از ارزشهای والای انسانی را دارد. چنین نظامی اگر بتواند مردم خودش را به اوج علمی برساند، قطعاً برای مستکبران عالم خطر بزرگی را به وجود خواهد آورد ؛ این واقعیتی است که امروز وجود دارد.

با توجه به این واقعیت، ما باید دنبال علم و پیشرفت علمی باشیم. البته پیشرفت علمی هم با تقلید حاصل نخواهد شد ؛ با ابتکار و شکستن مرزها و پیش رفتن و فتح مناطق ناگشوده، حاصل خواهد شد. وظیفه ی دانشگاه ها و مراکز تحقیق خیلی سنگین است. به نظر من آنچه بعضی از دوستان در باب اهمیت تحقیقات مطرح کردند، کاملاً درست و متین است. مسؤولان دولتی هم باید این پایه و اساس را - که همان تحقیق است - مورد توجه قرار دهند و بدانند که نه علم و نه فناوری، بدون وجود مراکز فعال تحقیقاتی، پیشرفتی نخواهد داشت. هم دانشگاه های ما، هم مراکز تحقیقاتی خارج از دانشگاه ها باید ان شاءالله مورد حمایت و توجه قرار بگیرند.

ظاهراً وقت تمام شده و باید عریضمان را تمام کنیم. اول غروب و وقت افطار است. من فقط چند دعا کنم ؛ ان شاءالله با نفسهای پاک و دلهای نورانی شما دعاها مستجاب شود.

پروردگارا ! آنچه در نیت ماست، آنچه بر زبان ماست و آنچه در عمل ماست، همه را برای خود و در راه خود قرار بده و آنها را از ما بپذیر. پروردگارا ! ما را به معنای حقیقی کلمه در خدمت اسلام و اهداف اسلامی قرار بده. پروردگارا ! ملت ما را روزبه روز به عزت علمی و عملی بیشتر نایل بفرما. پروردگارا ! قلب مقدس ولی عصر (ارواحنافداه) را از ما راضی کن. پروردگارا ! این ساعات و این روزها و شبها و ایام مغتنم و اکسیری ماه رمضان را برای ما، برای دلهای ما، برای بصیرتهای ما، برای جانهای ما و برای عمل ما ان شاءالله مبارک بگردان و توفیق بهره مندی از ضیافت خود را در این ماه به همه ی ما عنایت کن.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته